

جنون در آوار خیال

رہا سعیدی

www.ketab.ir



سرشناسه : سعیدی، زهرا، ۱۳۷۵ -
عنوان و نام پدیدآور : جنون در آوار خیال/زهرا سعیدی.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات کوی ۱۲ [دوارده]، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص:؛ ۲۱/۵×۱۲/۵ س.م.
شابک : 978-622-6008-28-0
رهنیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۲
موضوع : Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره : PIRAT2A/ع۹۲۵۲ع۹ ۱۳۹۷
رده بندی دیسی : Ab3/۶۲
شماره کتابخانه ملی : ۵۳۰۷۵۳۰

جنون در آوار خیال

مؤلف	زهرا سعیدی
ناشر	نشر کوی ۱۲
تایپ / صفحه آرای / طراح جلد	ویدا رضایی / سعید بن سیادت نژاد
تیراژ	۱۰۰
تعداد صفحه	۳۳۴
نوبت چاپ	اول ۵۷
قیمت	۲۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۰۸-۲۸-۰
شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۱۲۹۴۴۸	همراه: ۰۹۹۰۵۷۳۴۵۷۰-۰۹۳۰۹۰۳۶۹۷۱

وب سایت: www.ketabshid.com

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۶.....	«مقدمه».....
۸.....	فصل اول.....
۱۷.....	فصل دوم.....
۲۴.....	فصل سوم.....
۳۷.....	فصل چهارم.....
۶۳.....	فصل پنجم.....
۸۳.....	فصل ششم.....
۱۰۰.....	فصل هفتم.....
۱۳۰.....	فصل هشتم.....
۱۴۴.....	فصل نهم.....
۱۵۹.....	فصل دهم.....
۱۷۵.....	فصل یازدهم.....
۱۹۰.....	فصل دوازدهم.....
۲۰۲.....	فصل سیزدهم.....
۲۰۹.....	فصل چهاردهم.....
۲۲۱.....	فصل پانزدهم.....
۲۳۲.....	فصل شانزدهم.....
۲۳۷.....	فصل هفدهم.....
۲۶۱.....	فصل هیجدهم.....
۲۶۷.....	فصل نوزدهم.....

فصل نهم	۷۸۰
فصل دهم و یازدهم	۷۸۲
فصل دوازدهم	۷۸۶
فصل سیزدهم	۷۸۸
فصل چهاردهم و پانزدهم	۷۹۰
فصل شانزدهم و هجدهم	۷۹۲

به نام او

«مقدمه»

فکروخیال دنیای دیگری درپارادکس با دنیای حقیقی دارد.

عین این که هم باشیم هم نباشیم؛ درحالت رنج عمیق قهقهه سر دهیم و مثال هاست از این دست!

و عشق رنگ زندگی آدم هاست. عشق است که فکروخیال را با واقعیت پیوند می دهد. و گرنه خیال به تنهایی می تواند یک نفر را نابود کند.

آدم ها، آدم ها عجیب موجودات عجیبی اند. درزندگی و خیال بقیه دررفت و آمدند و هر کدام برای خودش تنهایی از خیال دارد و دنیایی از واقعیت و چقدر مرز این خیال و واقعیت نامشناخت است.

اگر میان خیال و واقعیت جنگی صورت گیرد و مرز بین آن دو جابه جاشود حتی اگر ذره ای از جایش تکان بخورد به زمین می رساند. این جنون حقیقت محض است. مرز واقعیت و خیال و هم عین واقعیت است. این وهم دیوانه وارد دیوانه می کند.

و اتفاق ها، دست پرورده های سرنوشتند؛ جنس خوب پیدا کنند. می رنجانند و می خندانند؛ گاهی شاد می کنند و گاهی به زمین می زنند. و آدم ها همان ها که گفتم عجیبند، به موازات این اتفاق ها با هم به پیش می روند و در آخر جریان هایی به وقوع می پیوندد.

که این داستان بودن ها و نبودن های جسم خاکی انسان است. بعضی داستان ها و جریان ها خارج از باورند اما هرگز غیر ممکن نیستند.

زندگی بازی است؛ بر دو باخت دارد، از بازیکن هایش برنده و بازنده می سازد و من در این بازی به قوانین و اصول هندسه اعتقادی ندارم؛ یعنی شاید دو خط من برای انسان و اتفاق های باور نکردنی بارها با هم تلاقی یابند. بارها متقاطع شوند اما باز هم موازی و مجازی هم باشند.

و این بار با قلم بردستم و به فرمان ذهنم می نویسم که قلم افسار و محدوده ای دارد و ذهن بی نهایت است و به بی نهایت میل می کند.

با ذهن اراده کنی صدمت بدم، گوید و بدمی نویسد و اگر بخواهی خالق عاشقانه ترین سطرهای جهان خواهی شد.

شاید گاهی از این قصه رابد و رنج ورنویسم. اما قصه ی عشق هر چند تلخ، هر چند سخت، بدم مطلق نخواهد بود.

این نبرد، جدال میان کلمات با قلم خواهد بود.

با سپاس فراوان

اردیبهشت ۱۳۹۰

زهره سعیدی